



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۲/۱۷

داکتر معمار حشمت الله امر

نو روز متفاوت

چکیده:

ولایت لغمان یکی از ولایت های افغانستان است. مرکز این ولایت شهر مهترلام نام دارد. لغمان منطقه ای کوهستانی است، دریا های علیشنگ و علینگار به زیبایی این ولایت می افزایند و این ولایت را سر سبز ساخته اند. زبان اداری و درسی ولایت لغمان پشتو است و در گذشته ها نیز از دید گاه تاریخی مسکن اقوام پشتو زبان بوده است. دومین زبان حاکم در مرکز لغمان، زبان دری (فارسی) می باشد و بعد هم زبان پشه ای. بخشی از دری زبانان ولایت لغمان احتمالاً تا چند سده پیش به زبان پشه ای سخن می گفته اند.

پیشینه:

کتیبه آرامی ولایت لغمان کتیبه ای است بر روی یک تخته سنگ در ولایت لغمان افغانستان که توسط اشوکا امپراتور هند در سال ۲۶۰ قبل از میلاد به زبان آرامی نوشته شده و اغلب به عنوان یکی از احکام صغیر سنگی اشوکا طبقه بندی می شود.

پس از تغییرات در تقسیمات کشوری افغانستان در سال ۱۹۶۴ شمسی، ولایت لغمان نیز در همان سال در ناحیه لغمانات تشکیل شد و مرکز آن شهر مهترلام مقرر گردید. (۱)

مردم:

جمعیت این ولایت ۴۰۳/۵۰۰ نفر در سال ۲۰۰۹ برآورد شده است که بر پایه منابعی تاجیک ها ۴۰٪، پشه ای ها ۴۰٪ پشتون ها و نورستانی ها نیز ۲۰٪ از باشندگان بومی این ولایت محسوب می گردند. تاجیک های ولایت لغمان به لهجه خاص خود دری (فارسی) صحبت می کنند که اکثریت قوم تاجیک در مهترلام، ولسوالی های علیشنگ، دولت شاه «بیش ترینه در دره فراجان» و قرغه ای زندگی می کنند. دری زبان های ولایت لغمان عمدتاً از حروف که در زبان و ادبیات فارسی - دری وجود ندارد استفاده می کنند.

پشتون های این منطقه از قبیله غلزایی هستند. براساس برآورد سال ۲۰۰۸ تنها ۴ هزار نفر از جمعیت ۳۷۸ هزار نفری این ولایت در شهرها زندگی می کنند. (۲)

مقدمه:

ولسوالی قرغه ی یکی از ولسوالی های ولایت لغمان در شرق (خاور) افغانستان است، جمعیت آن در سال ۲۰۰۶ میلادی، ۷۰،۶۸۸ نفر اعلام شده است. (۳)

اکثریت مردم این ولسوالی پشتو زبان بوده و لی تعدادی از باشندگان آن به زبان های دری (فارسی) و پشه یی نیز صحبت مینمایند.

اقلیم این ولسوالی در تابسان گرم و مرطوب و در زمستان هوای معتدل ولی بعضی اوقات درجه گرما به صفر درجه سانتیگراد و یاهم برای مدت کوتاه از طرف شب، تحت صفر نیز قرار می گیرد.

زمستان این ولسوالی خیلی کوتاه و زود گذر بوده ولی بهار و خزان آن خیلی زیبا و دارای هوای معتدل میباشد. پیداوار این ولسوالی گندم، جو، جواری، نیشکر و برنج است، و لی به پیمانیه وسیع درین ولسوالی سبزیجات مانند: پیاز، کچالو، زردک، ملی سفید، ملی سرخک، گلپی، کرم، بادنجان سیاه، بادنجان رومی، گشنیز، پالک، نعنا، بادرنگ، شندر (شفتل)، رشقه، تراتیزک و گندنه کشت که قسمت کوچک آن درین ولسوالی به مصرف و حد بیشتر آن به ولایت های مجاور و سایر نقاط کشور و بعضاً از ترکاری های این ولسوالی به کشور همسایه پاکستان نیز صادر میگردد.

تمام میوه جات درین ولسوالی به ملاحظه رسیده ولی حاصلات میوه های چون:

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

مالته، لیمو، نارنج، امروت، امبلوک، انار، انگور، توت، چهار مغز و بادام قابل ستایش است. مردم این ولسوالی اکثراً دارای تحصیلات عالی بوده که به تعداد زیادی مکاتب ابتدایه، مکاتب لیسه، انستیتوت ها، مساجد و مدارس دینی وجود دارد.

پس بهر است به سوالات ذیل پاسخ ارایه نموده و واقعت ها را بر ملا سازیم.

نوروز چیست؟

نوروز نخستین روز سال خورشیدی برابر با یکم ماه حمل، جشن آغاز سال نو و یکی از کهن ترین جشن های به جا مانده از دوران بولایت میباشند. خاستگاه نوروز در مناطق وسیعی در آسیا و دیگر نقاط جهان نیز جشن گرفته و زمان برگزاری نوروز، اعتدال بهاری و در آغاز فصل بهار است. (۴)

تجلیل از نوروز در ولسوالی قرغه ای به چگونه است؟

طوری که ذکر شد اقلیم این ولسوالی خیلی گرم، مرطوب ولی زمستان آن خیلی کوتاه و زود گذر است، نوروز آن هم با خود ولایت و ولایت های دیگری کشور افغانستان خیلی متفاوت است.

درین ولسوالی قبل از نوروز (در شروع ماه حوت) باد های تندى از سمت شمال به سمت جنوب این ولسوالی آغاز می یابد که به نام باد های **برهو** یاد میشود، این تند باد ها شب و روز برای بیشتر از یک هفته و بعضاً هم تا ده روز به شدت می وزد.

تند باد ها شاخه های درختان را با یکدیگر میزند و از خواب زمستانی بیدار میسازند، دروازه ها، کلکین ها و یا ارسی ها (پنجره ها) را تکان داده و صدا تولید می نماید، گشت و گذار برای مردم بیرون از خانه ها خیلی دشوار و تا جایی که ضرورت واقعی به بیرون رفتن نباشد، از خانه و کاشانه شان بیرون نمی روند. این باد ها برگ های زرد شده درختان همیشه بهار به شمول درختان نارنج و میوه آنها از درخت جداد و به زمین می اندازد.

تند باد ها به یک بارگی از شدت خود کاسته و اکثراً در ایام شب، مخصوصاً نصف شب آرام میشوند و صدای غالمغال آن نیز تا سال بعدی به کلی خاموش می شود.



تصاویری از ولسوالی قرغه ای بعد از خاموش شدن تند باد (برهو)

با آرام شدن باد ها، مردم هم به خوشی و خوشحالی از خانه های خود بیرون و مصروف گشت زنی و کشت کار خود میشوند.

این ایام ۱۰ ماه حوت بوده تغییرات یک بارگی در درختان، بته ها و گل ها به وجود می آید، درختان میوه دار شروع به شگوفه و درختان غیر میوه دار و گل های گلاب شروع به پندک می نمایند. کودکان بالاتر از پنج سال و کمتر از دوازده سال، بی صبرانه و روز چند مرتبه به باغ ها و کنار درختان قدم می زنند تا ببینند شگوفه ها و پندک های درختان کمی باز شوند.

د پانو شمیره: له 2 تر 5

اولتر از همه درختان بادام، زردالو، الوچه زودتر از همه درختان میوه دار شروع به شگوفه و درخت بید نیز شروع به باز شدن پندک های شان می نمایند.

اطفال وقتیکه از باز شدن نسبی شگوفه های درختان میوه دار و پندک های درختان بید آگاه میشوند، بدون آنکه به بزرگان خویش خبر دهند، بین خود جمع شده و جلسه می نمایند.

در جلسه تصمیم گرفته میشود تا فردا قبل از طلوع آفتاب، نوشیدن و خوردن صبحانه، هیت سه نفری که دارای قد بلند، سن بیشتر و تجربه داشته باشند، به باغ ها و نزدیک درختان رفته چند شاخه از شگوفه درختان میوه دار، چند شاخه از درخت بید و هم شاخه های از غنچه گل گلاب را قطع نموده و سبزه های تازه را به اطراف آن پیچانیده و دسته مقبول و زیبایی طفلانه می سازند.

درین اثنا، کودکان بالاتر دیگر از قلعه یا قریه اعم از بچه و دختر ها به آنها می پیوندند، این کودکان به سه دسته تقسیم میشوند.

- دسته اول برای جمع آوری سبزی بهاری طبیعی منطقه مانند: خلفه، گندمک، قو و شفتل (شفدر، شبدر) به زمین های مربوط قلعه و یا قریه میروند.

- دسته دوم همراه بادیگر اطفال وظیفه جمع آوری هیزم (چوب) را به عهده میگیرند.

- دسته سوم راهی خانه ها می شوند، نخست از خانه بزرگ قلعه یا قریه، خان و یا هم ملک قریه آغاز می شود.

آنها به دروازه نزدیک شده د قلباب می نمایند، درین اثنا یکی از اعضای فامیل جهت باز کردن درب می آیند، درب را باز نموده می بینند که جمع بزرگی از اطفال در عقب دروازه هستند. اطفال در نخست سلام داده و دسته را به باز کننده درب می دهند، باز کننده درب دسته را گرفته و بوی می نماید، درین اثنا اطفال نوروز را به ایشان تبریک گفته و شخص می داند که تفاوت به وجود آمده و فصل تغییر کرده است، تغییر سال درین ولسوالی به جنتری رسمی یا حکومتی تعلق ندارد، بلکه متعلق به تبدیل شدن فصل زمستان، به بهار است.

چون مردم از رسم و رواج منطقه و مخصوصاً اطفال می دانند، فرد بازکننده درب، دسته را دوباره به اطفال میدهد و به آنها میگوید؛ تا در عقب درب کمی منتظر بمانند، شخص به خانه داخل شده و برای دیگر اعضای فامیل نوروز را تبریک می گوید.

بعداً از خانه طبق عنعنات یک مقدار برنج، روغن، نمک، بوره، هیزم (چوب سوخت)، گوگرد و چند قرص نان را می دهد و اطفال با ابراز تشکری از آنها دعوت می نمایند تا در دست پخت نوروزی شان اشتراک نمایند. به همین ترتیب به خانه دومی، سومی و همه خانه های قلعه یا قریه.

در صورتیکه یگان خانه خارج قلعه یا قریه بوده و شامل اعضای فامیل همان قلعه باشند، نیز می روند، به همین ترتیب تمام خانه ها را گشته و مواد را جمع آوری، در بیرون قلعه و در گوشه که برج های بلند نیز قرار دارد، بین هم گرد (جمع) می آیند.

بعداً چند نفر به قلعه رفته و از خانه ها نظر به مواد جمع آوری شده، ظروف چون دیگ، کاسه، چمچه، بشقاب، قاشق، گلیم یا نمد و چند عدد دوشک و بالشت می آورند. دخترانیکه در آشپزی بلدیت و مهارت دارند پیشگام شده و برای پسر بچه ها دستور می دهند تا نخست ساحه مورد نظر را تمیز، از سنگ و گل دیگدان های موقتی بسازند.

پسر بچه هم با مهارت خاص و در وقت کم به تمیز سازی ساحه مورد ضرورت و ساختن دیگدان ها پرداخته در اسرع وقت نظر به فرمایش دختر بچه ها دیگدان ها را آماده می سازند.

دختران آشپز هدایت می دهند تا هیزم (چوب) جمع شده را نزدیک دیگدان آورده و چوب های بزرگتر را با تبر، پارچه سازند.

درین اثنا گروپ که جهت جمع آوری سبزی توظیف شده بودند نیز می رسند و سبزی ها را تمیز، توته و می شویند، بعداً دختر ها دیگران را روشن و به پختن آغاز نموده و دو نوع غذا می پزند:

۱. پلو

۲. سبزی تازه

دختران دیگر ترکاری را پاک، شسته و در ظروف می چینند و چند عدد نارنج افتاده از درختان ذریعه تند باد ها را توته و کنار ترکاری میگذارند.

دختران همه مصروف آشپزی و پسران مصروف بازی های مروجه منطقه میشوند و بی صبرانه منتظر پخته شدن دیگ و صدا زدن برای خوردن میشوند.

چون اطفال از دیگ های ساده، گلی استفاده می نمایند، غذای آنها نیز دیرتر پخته و آماده خوردن میشود. بعداً دختران به بچه ها صدا زده و آنها را به خوردن دعوت می نمایند. آنها و دیگر بزرگان که علاقه به اشتراک در دست پخت نوروزی داشته باشند، بالای دوشک ها نشسته و منتظر چیدن ظروف در خوان (دسترخوان) می شوند. دختران به کشیدن غذا در ظروف و بچه ها با آفتابه و لگن شروع به شستن دست های دیگران و مهمانان بزرگسال می شوند، بعداً پسران دستر خوان را هموار و دسته که از شاخه های شگوفه درختان میوه دار، شاخه های درخت بید، شاخه های غنچه گل گلاب و سبزه ها را آماده کرده بودند با صراحی که قبلاً در آن آب ریخته و دسته را در آن گذاشته بودند در وسط دسترخوان می گذارند، بعداً دختران غذا را از دیگ ها به ظروف کشیده برای مهمانان و اطفال توزیع می نمایند و در اخیر دختران آشپز نیز به آنان پیوسته و شروع به خوردن غذا می نمایند. غذا خوری با خوشی های فراوان، در فضای باز، آفتابی و مملو از صمیمیت آغاز میگردد و برای مدت تقریباً یک و نیم ساعت دوام نموده و درین اثنا چند دختر غرض آماده سازی چای به دیگران دوباره بر می گردند و بعد از دم نمودن (آماده ساختن) چای سبز مقدار گر(گور، شیرینی که از نیشکر وطنی به دست می آید) را به روی دسترخوان آورده، بعداً در گیلان ها چای ریخته، در پیشروی مهمانان و دیگر پسران و دختران می گذارند.

آنها چای را نیز نوشیده آهسته، آهسته به جمع آوری دسترخوان و ظروف می پردازند، بعداً پسر ها ظروف را تا نزدیک ترین جوی با آب جاری برده و دختران به شستن ظروف می پردازند، بعد از شستن ظروف بسته بندی (جدا سازی)، ظروف هر خانه جدا گذاشته شده و برای پسران وظیفه داده میشود تا ظروف هر خانه را برای شان برسانند، بعداً آتش دیگران ها را خاموش و ساحه را توسط پسران تمیز نموده و هر کس به سمت خانه شان روان می شوند.

بعد از صرف طعام چاشت، باشندگان اصلی این ولسوالی که در ولایت کابل وظایف دولتی داشته، زنده گی مینمایند و در ایام زمستان جهت تفریح و گذراندن رخصتی های زمستانی که هوای آن چند برابر نسبت به شهر کابل گرمتر و سر سبز تر است می آیند. آنها با پوشیدن لباس های بهاری و رنگ های مرغوب از خانه های شان برآمده و بالای زمین های سبز، کنار جویبار های روان، باغ ها و باغچه ها تا شام روز میگردند و درگوشه ای بالای سبزه ها به روی گلیمچه های دست داشته خود می نشینند، بین هم قصه و از هوای بهاری لذت می برند. اطفال هر قلعه و یا قریه کوشش می نمایند تا این روز را جلوتر از همه تجلیل و از اطفال دیگر قلعه ها و یا قریه ها دعوت نموده، خویش را سرکرده و پیشتاز رسم و رواج منطقه می شمارند. (۵)

پرهو:

طوری که در بالا تذکر به عمل آمده تعداد اکثر آ باشندگان این ولسوالی از اقوام پشتون و زبان شان پشتو است، کلمه **پرهو** از دو کلمه پشتو یعنی **پیر** به معنی بالا که در حقیقت هم سمت شمال این ولسوالی که به مرکز ولایت وصل است در بلندی نسبت به ولسوالی قرغه ای موقعیت داشته و کلمه **هو** آواز وزیدن باد تند است که به درختان، دیوار ها بعد از اصابت شنیده می شود، بنا گفته می توانیم که بر هو باد تند و شدید است که از سمت شمال وزیده و آواز خاص تولید می نماید. (۶)

سخن پایان:

تجلیل از نوروز متفاوت تنها در ولسوالی قرغه ای ولایت لغمان در بین کودکان و نوجوانان زیاد شهرت و از آن تجلیل به عمل می آورند، این جشن نوروزی، روز به روز با تحولات سیاسی پی در پی کشور عزیز مان کم رنگ شده و اکثر آ کسانی که فصول بهار، تابستان، خزان را در پایتخت سپری نموده و زمستان خویش و یا هم رخصتی

تفریحی ۲۰ یومیه خویش را در ولسوالی خود شان سپری می نمودند، کشور آبیی شان را ترک به خارج رفته و یا هم در حال ترک کردن هستند.
بنام بخش دوم یعنی گشت و گذار بعد از چاشت که بنام سبزه لغت (سبزه زیر پا) کردن یاد میشود، نیز از بین رفته و آهسته، آهسته به باد فراموشی سپرده میشود.
همچنان اگر به بخش اول صبحانه آن هم توجه نه گردد، تحت فشار های فامیل ها، بزرگان منطقه بنام رواج های بیهوده، غیر سابقه دینی و آیین زردشتی نیز کم رنگ و شاید هم زمانی برسد که کاملاً فراموش شود.

منبع:

۱. حشمت الله اتمر. داکتر. مهندس. معماری افغانستان، سال ۱۳۹۳ خورشیدی، انتشارات لاجورد، کارته سخی روبروی دروازه فاکولته انجینری کابل.

<https://fa.wikipedia.org/wiki/> ۲

<https://www.google.com/search> ۳

<https://www.google.com/search> ۴

۵. تحقیقات در ولسوالی قرغه بی

۶. تحقیقات در منطقه چهار باغ ولسوالی قرغه بی

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په څیر و لولئ